

## پهلوانی که بازوبند خود را به شاه هدیه نداد

۲۴ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۶

ماجرای پهلوانی که بازوبند پهلوانی خود را به جای تقدیم به اعلیحضرت به امام رضا هدیه داد و مزد وفاداری خود را گرفت.

جوان و تاریخ :

سال ۱۳۳۱ بود. جوان قبراق و ورزیده خراسانی دو سال پیایی پهلوان کشور شده و آمده بود تا با رسیدن به این مقام در سومین سال متوالی بازوبند پهلوانی را برای همیشه از آن خود کند. شاه که دلخوشی از این مسئله نداشت تمام تلاش خود را به کار بست تا احمد بدین مهم نائل نشود. او از طریق رییس اداره ورزش خود به تمام پهلوانان ریز و درشت پایتخت دستور داد تا در مسابقات پهلوانی کشور آن سال شرکت کنند تا شاید یکی از آنان مانع وقوع این واقعه ناگوار شود. آخر رفتار خاص پهلوان خراسانی هنگام بسته شدن بازوبند بر دستان او توسط شاه و عدم تملق گویی، محمدرضا را ناراحت می کرد. او حتی شرایط را به گونه ای فراهم کرد که غلامرضا تختی دوست گرمابه و گلستان «وفادار» نیز وارد گود شد تا شاید مانع ثبت سه قهرمانی متوالی رفیق خود شود. مسابقات یکی بعد از دیگری برگزار شد و از یک سو غلامرضا و از سوی دیگر احمد پشت حریفان را یک به یک به خاک مالیدند تا نوبت به مسابقه نهایی رسید. مسابقه ای که باید در حضور شاه برگزار می شد و در پایان، او بازوبند را بر بازوی



قبل از مسابقه نزدیکان دربار به هر دو حریف پیام دادند که اگر آسایش و راحتی می‌خواهید باید پس از پیروزی، بازوبند را به اعلیحضرت تقدیم کنید. کسی از پاسخ دو پهلوان به نمایندگان شاه چیزی نمی‌داند، فقط روایت پهلوان وفادار از آن مسابقه بزنده می‌بست. اکنون در دسترس است. معامله سرنوشت ساز او این دوره از رقابت‌ها را جالب‌ترین مسابقات خود عنوان کرده و درباره آن گفته است: "بیش از دو هزار نفر از مردم پایتخت، پهلوان تختی را در حالی که روی دست بلند کرده بودند با سلام و صلوات به محوطه دارالفنون که محل برگزاری مراسم پهلوانی بود آوردند، که شاید با تشویق‌های آنچنانی خود بتوانند روحیه‌ای به تختی دهند که مرا به زمین بزند و بازوبند پهلوانی را نگذارند از تهران خارج شود. شاخه‌های گل و اسکناس‌های رنگارنگ و تشویق‌های جوورواجور بود که از مرحوم تختی به عمل می‌آمد. اما من کسی را نداشتم، لذا پشت به آن جمعیت کرده، رو بسوی خراسان نمودم و پس از عرض سلامی که از ته قلبم برخاست گفتم یا امام رضا، ای ضامن آهو، تو راضی مشو که من مغلوب این تهرانیها شوم، من به غیر از تو کسی را ندارم. لحظه‌ای بعد با سوت داور، مسابقه شروع شد و من و مرحوم تختی به هم آویختیم. شرط پیروزی در مسابقات کشتی پهلوانی فقط ضربه کردن حریف بود و مدت زمان کشتی ۸۰ دقیقه. در دقیقه بیست و یکم بود که تختی را روی سر بلند کرده و یا علی گویان بر زمینش زدم، که بانگ شور و غلغله و آفرین مردم برخاست و همان مردمی که مرحوم تختی را با چنان شور و عشقی به میدان آورده بودند، ریختند وسط میدان و مرا بوسیدند و روی دست بلند کردند و تشویقم نمودند." مسابقه تمام شد و وفادار برای دریافت بازوبند نزد شاه رفت، بازوبند بسته شد و پس از آن پهلوان به سخن آمد و گفت: "قبل از مسابقه با خود عهد کردم در صورت پیروزی و دریافت اولین بازوبند مادام العمر پهلوانی کشور آن را به یگانه یاورم در این مسابقه اهدا کنم." سپس از سکو پایین آمد و رهسپار خراسان شد تا طبق پیمانی که از خلوص نیت با امام رضا(ع) بسته بود، بازوبند

پهلوانی را که برای همیشه از آن خود ساخته بود، تقدیم موزه آستان قدس رضوی کند، بازوبندی که هنوز هم آنجا نگهداری می شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۹۶۸/نداد-هدیه-شاه-خود-بازوبند-پهلوانی>